

سیدالاکبر

شماره ۵۴ - تعداد و نه - م

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۹

دانشگاه

ماس "ماسکی"

ویژه نامه ورودی های ۹۹



در معرض دید

حضورداشتند ویا فقط پسرها و بعد از آن حضور در دانشگاه می‌تواند دغدغه‌هایی را ایجاد کند. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اغلب نتایج زیان‌بارتری از فضای حقیقی دارند. زیرا شما عملاً تصویر مشخص و واضحی از طرف مقابل ندارید. فقط و فقط ذهنیات حکمرانی می‌کنند و قلم‌به‌دست می‌شوند و آن‌چیز که دلشان می‌خواهد طرف مقابل را برای شما ترسیم می‌کند. لحن صحبت شما یا چگونگی صحبت یا برخورد شما با یک خانم یا آقا چه در فضای مجازی چه در فضای حقیقی ترسیم‌گر بخشی از شخصیت شماست. اما خیلی راحت هم می‌توانید آن‌ها را تغییر بدهید و به شکل غیراصلی نمایش دهید. گاهی اوقات احساس می‌کنیم آدم کامل و پخته‌ای هستیم و بدون توجه به عواقب کار جلو می‌رویم. پوست‌کنده و صریح اگر بخوایم بگویم آسیب‌هایی جدی ممکن است شما را تهدید کند که خسارات جبران‌ناپذیری را می‌تواند بگذارد.

رقابت در جنگ نابرابر

من همیشه این سوال در ذهنم بود که مهندس خوب بهتر است یا نمره‌ی خوب؟ مطمئناً یک شریفی با یک عقبه‌ی ممتاز درسی وارد شده‌است. تیزهوش المپیادی یا به قول معروف شاگرداول. پس قطعاً دوست ندارد ملاکی به این خوبی را از دست بدهد. این را هم باید گفت که در شریف همه از لحاظ درسی قدر هستند. حالا که دانشگاه‌ها مجازی شده‌است باید گفت که راه مشورت هموار شده‌است. پس شاید با انجام کارهایی که خیلی حرفه‌ای نیستند بشود نمره‌ی عالی گرفت ولی مهندس برتری هم می‌توان شد؟ نمره و کوییز و تکلیف تنها تکه‌ای از پازل مفصل دانشگاه هست که اگر نباشد به مشکل می‌خوریم ولی همه چیز هم محسوب نمی‌شود. مشورت امری پسندیده است ولی مثل دارو می‌باشد. ناپجا که استفاده شود کلی برایتان مشکل‌ساز می‌شود. پس برای برتر بودن می‌توان فعالیت‌های متنوعی را در پیش گرفت. فعالیت‌های دانشجویی و دانشکده‌ای و قضایای فرهنگی داخل دانشگاه و ... هم می‌توانند مفید باشند و هم جذاب‌تر. نمره تنها ملاک برتری شما نیست. پس آن را بیش از حد بزرگ نکنید.

به قلم امیرعلی کتیرایی

ورودی ۹۸ مهندسی عمران



شروع جوانی از این‌نظر بسیار مهم است که دوره‌ی هویت یابی است. دوره‌ای که هدف‌ها و آرزوها مطابق آن نقشه‌ریزی می‌شوند. برهه‌ای که مشکلات زیادی سرازیر می‌شود و عدم مهارت کافی در مواجهه‌ی با آن‌ها بسیار خطرناک است. به زمانی رسیده‌ایم که ناخودآگاه نفس آدمی متورم می‌شود و به جای آن‌که سعی بر این داشته باشد تا جایگاهی در دل اطرافیانش داشته باشد به دنبال آن است که در چشم آن‌ها باشد. البته از لحاظ روان‌شناسی این مسئله خیلی عجیب نیست. جوانی تازه شروع تشنگی نیازهاست. یک خواسته‌ای مدام جلوی چشم رژه می‌رود و تلاش دارد تا ذهن را اسیر خودش کند. آن چیزی نیست جز جلب توجه. این ویژگی به خودی خود بد نیست زیرا جوان میل به جاودانگی دارد و از پوچی گریزان است و می‌خواهد مطرح باشد. اما مطرح‌بودن قیمت‌های مختلفی دارد. گاهی اوقات ممکن است خیلی گران برایش تمام شود. یکی از چالش‌ها زمانی شکل می‌گیرد که دانشجو احساس استقلال مطلق می‌کند و از هیچ احدانسی کمک نمی‌گیرد. ممکن است صدمات و لطمه‌هایی در این بین بخورد. اصلی‌ترین این صدمات مربوط به اصلی‌ترین رکن انسان است. یعنی اخلاق. زمانی فرا می‌رسد که زللی روح و روان را به آلودگی می‌کشانیم و رخت طمع را بر تن ذهن و فکر می‌پوشانیم. هرچیزی و کسی حدی دارد. شما هر بار به یک شخص بیش از حد میدان داده‌اید به احتمال خیلی زیاد ضرر کرده‌اید. در رابطه با افکار هم این مسئله برقرار است. گاهی سودای شهرت قد علم می‌کند و یک‌سری ارزش‌ها را کنار می‌گذارد. معضلاتی که همانند خوره ذهن پاک جوان را می‌آزارد.

حباب شخصیت

روح و روان در این سن همانند حباب است. صاف و بی‌خط و خش. ولی در عین حال بسیار نازک و شکننده. بعد از دوازده سال حضور در فضایی که یا فقط دخترها

ابهام!

به قلم امین بهجتی

ورودی ۹۵ مهندسی کامپیوتر



تصورکن که روی یک زمین ناهموار برفی ایستاده‌ای و باید راه بروی؛ همین‌قدر مبهم! قبلاً همیشه یک چیزهایی بودند که مسیر را قلفتی بهمان نشان می‌داد و باید می‌رفتیم؛ آن موقع‌ها کمتر به مه اطراف توجه می‌کردیم؛ اما الان که خودت باید بروی سرت را که بالا می‌آوری توجهت جلب می‌شود و شاید سردی هوا را هم حس کنی.

دور و برت را که را برانداز می‌کنی، تابلوهای چوبی یا آهنی زیادی می‌بینی که به زمین فرورفته‌اند، با فلش‌هایشان به جهت‌های مختلف اشاره می‌کنند و یکی دو تا هم نیستند؛ روی هر کدامشان یک چیزی نوشته شده و تابلو، جهت مسیر آن یک‌چیز را نشان می‌دهد. روی بعضی‌شان اسم یک آدم نوشته شده، روی بعضی اسم یک مقصد، روی بعضی اسم یک گروه، و ...

تابه‌حال بیشتر از ۴۰هزار نفر همین‌جا ایستاده بودند و الان رفته‌اند. تصورش هم سخت است؛ می‌شود ۴۰هزار ردّ پا روی این زمین. البته، برف می‌آید و ردّ پایهای قدیمی را پاک می‌کند، ولی زمین اطراف همچنان پر از ردّ پاست. یک‌سری مسیرها پاکوب شده‌اند (به مسیرهایی که در اثر رفت و آمد زیاد صاف شده باشند اصطلاحاً مسیر پاکوب می‌گویند) و اتفاقاً می‌بینی که به تابلوها هم بی‌ربط نیستند. بیشتر که توجه می‌کنی یکی دو مسیر از پاکوب‌شده‌ها تو چشمت می‌زند، تابلوهای نام‌آشنایی هم دارند و انگار این مسیرها را باید رفت! اما خب چه می‌کنی؟ البته این را هم در نظر بگیر که تو در آن نقطه‌ای که ایستاده‌ای تنها نیستی، یک از هزاری!

با همین تصویر گنگ، به دانشگاه صنعتی شریف خوش آمدی. در این ویژه‌نامه از برخی از تابلوها و ردّ پایها یاد می‌کنیم، راجع به چگونگی راه‌رفتن بصورت کلی و در این شرایط خاص صحبت می‌کنیم، به پای صحبت یکی از رهروهای قدیمی می‌نشینیم، اندکی از جای خودمان در این تصویر برایت می‌گوییم و شاید حتی جایی صحنه را برایت به هم بزنیم!

نقطه‌ی شروع این است که سرت را بالا بگیری و از بالا ببینی؛ نه فقط دور و بر خودت را، که کل تصویر را...



مجازی و آش‌هایش

به قلم فائزه باقریان
ورودی ۹۸ ریاضی



وقتی به ورودی‌های نود و نه فکر می‌کنم دو چیز متناقض در ذهنم وجود دارد؛ «الهی بمیرم» و «خوش به حالتان».

خوش به حالتان، چون نیاز نیست حداقل یک ساعت قبل از کلاس بیدار شوید؛ می‌توانید حتی صبحانه را هم در کلاس میل بفرمایید و همین‌طور ظهرها مجبور نیستید برای ناهار مقداری برنج خشک، با خورشتی که نه، خورشت نیست مقداری روغن و لپه است را با دوغ نوش جان کنید.

اما الهی بمیرم برایتان، چون شما از آن ورودی‌هایی هستید که قرار نیست از خفت کتاب، کتاب بخريد و قرار بگذارید که درباره‌ی سخنان رهبری، مخصوصاً ازدواج جوانان بحث و گفت‌وگو کنید. (خفت کتاب، محلی است در تلگرام که دانشجویان کتاب‌هایی که دیگر نیاز ندارند را با قیمت مناسب می‌فروشند).

پس به سابیدن کشکتان ادامه دهید! خب از قسمت زیبای تشکیل خانواده دور بشویم بهتر است؛ چون بالاخره یک عده تنهای خانه نشین، قرار هست درس هم بخوانند و این خودش به اندازه‌ی کافی عذاب‌آور است. یک امتیاز مثبتی که شما دارید این است که کلاس‌هایتان حضوری نیست و مجبور نیستید نیم ساعت قبل کلاس به تالارها بروید و جا بگیرید؛ جا گرفتن نه جا گرفتن معمولی، یک ردیف باید جا می‌گرفتیم فقط، که گاهی نیاز بود کفش‌ها را هم بگذاریم روی نیمکت‌ها که کسی ننشیند! ولی الان کافی هست فقط دو دقیقه قبل از شروع کلاس بروید در سامانه

«vclass» و در حالی که زیر پتو هستید، همگی به سوال «صدای من را دارید؟» پانصد، ششصد تا بله بگویید و بعد به خواب عمیقی فروبروید، همین! اما از آن جایی که اساتید به شما اعتماد دارند ولی به جامعه نه، شما باید در عرض سه دقیقه در کوئیزها و امتحانات، سوالاتی که خود استاد در سه ساعت حل می‌کند را جواب دهید؛ البته این را هم بگویم که ترم قبل، در درس فیزیک دو، چون بچه‌ها زودتر از حد نرمال جواب داده بودند، حدوداً پانصد نفر از دانشجویها را انداختند! برای همین سعی کنید طبیعی جلوه بدهید. حالا برای پاسخ به امتحانات و کوئیزها باید در سامانه «cw.sharif.ir» و در بخش کاربری خودتان، در قسمتی که مربوط به همان درس است، امتحان بدهید. بعضی از اساتید هم هستند که دلشان به رحم می‌آید و قسمتی از نمره را به تمرین‌ها اختصاص می‌دهند، که آن هم در همان سامانه cw اطلاع‌رسانی می‌شود؛ خلاصه اینکه، سعی کنید همیشه در cw پلاس باشید. حرف از سامانه‌ها شد یک سامانه دیگر هم هست به اسم «edu.sharif.edu.ir» ترم اول هیچ کاربردی ندارد جز اینکه ببینید آموزش برایتان چه آشی پخته و این آش‌ها را چه ساعتی باید بخورید (همان برنامه کلاس‌ها). دوستان این آش با اون آش‌هایی که به شکلات ختم می‌شود فرق دارد! آموزش حرمت دارد. درباره نحوه‌ی ارائه همان آش‌هایی که آموزش برایتان پخته، ممکن است بعضی استادها فیلم آپلود کنند و به عنوان یک زخم‌خوردۀ پیشنهاد می‌کنم فیلم‌های هر هفته را همان هفته ببینید، چون فیلم‌های استادها «Money Heist» نیست که در دو روز بتوانید یک فصلش را تمام کنید! اگر خرخون هستید ک لعنت عامون بر شما، یا اگر با استاد خودتان درس را خوب متوجه نمی‌شوید

(چه غلطها)، یک جایی هم هست به اسم «ocw.sharif.ir» که فیلم‌های تدریس اساتید شریف که قبلاً ضبط شده وجود دارد (ما فکر همه چیز را کرده بودیم!). یک تجربه درباره‌ی فیلم‌های اساتید اینکه، می‌توانید از گزینه‌ی ۲۴برای زودتر تمام شدن فیلم استاد کمک بگیرید!

یک امتیاز مثبتی که شما دارید این است که کلاس‌هایتان حضوری نیست و مجبور نیستید نیم ساعت قبل کلاس



به تالارها بروید و جا بگیرید؛ جا گرفتن نه جا گرفتن معمولی، یک ردیف باید جا می‌گرفتیم فقط، که گاهی نیاز بود کفش‌ها را هم بگذاریم روی نیمکت‌ها که کسی ننشیند!

و البته ممکن است چون تا حالا با چیزی به اسم TA روبرو نشده‌اید، نادیده‌اش بگیرید؛ خلاصه بخواهم از TA بگویم، این‌طوری است که سر کلاس، استاد کلا می‌گویند درس درباره چی هست و در حد تلک اولنک ذالک اولنک (با ریتم لطفا) می‌گویند و قسمتی از یادگیری در کلاس‌های TA است، پس از دست ندهید و بی‌تعارف سر کلاس‌ها سوال‌هایتان را بپرسید. پیشنهاد خواهانه‌ی دیگرم این هست که ریاضی یک را حتماً جدی بگیرید؛ اصلاً کلا در این چند سالی که در این دانشگاه هستید، درس‌های دانشکده ریاضی را جدی بگیرید! یک چیز دیگری هم که باید خیلی جدی بگیرید خودتان هستید! آخر از صبح تا شب را که نمی‌شود فقط درس خواند؛ اگر فکر می‌کنید می‌شود اشتباه می‌کنید! من می‌گویم نمی‌شود یعنی نمی‌شود. خب کار دیگری که می‌توانید انجام دهید، این است که در گروه‌ها و تشکلهای مختلف دانشگاه مثل بسیج، انجمن اسلامی، شورای صنفی، انجمن اسلامی مستقل، هیئت، انجمن‌های علمی و... فعالیت کنید. (هر گروه و انجمنی که بخواهی در شریف داریم)؛ بخواهم خلاصه بگویم این فعالیت‌ها نسبت به دبیرستان از زمین تا آسمان فرق دارد. حتماً پیگیری کنید. در این فعالیت‌ها یک چیزهای به‌دردبخوری یاد می‌گیرید که به درد آینده می‌خورد (البته به آقای بذریاش و دوستان بر نخورد؛ این‌جا منظور از آینده، آینده‌ی الهی است!)، ولی جدا از شوخی چیزهایی مثل فتوشاپ، نویسندگی، کار با خیلی از نرم‌افزارها، مسئولیت‌پذیری، همکاری، آشنایی با آدم‌های جدید و... که به‌درد زندگی می‌خورد را یاد می‌گیرید؛ کلا خیلی خوب است دیگر! خلاصه که خوش آمدید به دانشگاه؛ می‌دانم ممکن است این مجازی شدن ترم تو ذوقتان زده باشد، پس برای اینکه من بیشتر ناراحتتان کنم، عرض کنم که دانشگاه یک استخر خفن دارد که محل تمرین تیم ملی شناست و بلیطش برای دانشجویها فقط سه هزار تومان بود. خب حالا که کامل سوختید شما را به خدای بزرگ می‌سپارم!



فیلم سینمایی زندگی دانشجویی

مروری بر نحوه‌ی درس‌خواندن مجازی و ارائه‌ی راهکارهایی برای بهتر شدن آن

به قلم زهرا کرمی

روردی ۹۸ مهندسی مکانیک

پرده‌ی اول

ساعت زنگ می‌خورد. با هزار دشواری و مکافات خودت را به گوشی مبارک رسانده و زنگ را قطع می‌کنی. در آن فاصله‌ی ۵ دقیقه‌ای که زنگ دوم به صدا درمی‌آید، عمیق‌ترین و شیرین‌ترین خواب را تجربه می‌کنی. نهایتاً در برابر تقدیر تسلیم می‌شوی و از رخت خواب گرم و نرم دل می‌کنی؛ آه که چه دل کندنی! به سختی خودت را به لپ‌تاپ می‌رسانی و با صفحه‌ی چشم‌نواز و جذاب CW مواجه می‌شوی! با یک کلیک وارد اتاق درس می‌شوی و اینگونه کل مراسم تشریفاتی آماده‌شدن برای رفتن به دانشگاه را در عرض ۵ دقیقه طی می‌کنی. اصل داستان از اینجا شروع می‌شود؛ جنگ نابرابر با پلک‌هایت که حداقل سه برابر سنگین‌تر از قبل شده‌اند! کل کلاس درس در لیستی از اسامی دانشجویان، صفحه‌ای معادل تخته‌سیاه و صدای خش‌دار استاد خلاصه شده است. مدت یک ساعت و خردهای که به لپ‌تاپ خیره شده‌ای چند ساعتی می‌گذرد! استاد جزوه‌ی درس را در سامانه بارگذاری می‌کند. بعضی از دانشجویان هم کلاس را ضبط می‌کنند. شاید کل کاری که لازم بدانی جین کلاس انجام بدهی این است که پنج دقیقه‌ی آخر کلاس انگشت‌رنجه فرمایی، کلمه‌ی حاضر را بنویسی و تقدیم استاد کنی. با امید به اینکه روزی از روزها قرار است فیلم کلاس را در زمان بهتری (که حداقل پلک‌هایت سبک‌تر باشند!) ببینی و جزوه‌برداری کنی، صفحه‌ی کلاس را می‌بندی و خواب نازت را پی می‌گیری.

چند پرده جلوتر

تمرین اول در سامانه بارگذاری شده و تنها یک روز با مهلت تحویل فاصله داری. تمام هفته‌ی گذشته را به امید اینکه فردا به سراغ جزوه خواهی رفت، با کوهی از عذاب وجدان گذرانده‌ای. به مدد امدادهای غیبی من جمله پاسخنامه‌ی کتاب‌ها و سایت‌های حل تمرین و راهنمایی‌های رفقا بالاخره چند ثانیه قبل از اتمام مهلت، پاسخ را بارگذاری می‌کنی! حجم عظیمی از اضطراب و دغدغه‌مندی وادارت می‌کند کلاس‌ها را جدی بگیری و درس بخوانی! اما همه‌اش همان ده دقیقه‌ی اول است. روز بعد آتش همان است و کاسه همان!

پرده‌ی یکی مانده به آخر

هفته‌ی مزین‌شده به امتحان بالاخره فرا می‌رسد؛

و چه هفته‌ی طاقت‌فرسایی! با حجم مطالعه‌ی ۳۰ ساعت در روز جزوات را نجویده قورت می‌دهی. همه‌چیز بسی طاقت‌فرسا، خوب(!) پیش می‌رود تا اینکه تعهدنامه‌ی ازخداپی‌خبر سروکله‌اش پیدا می‌شود. بعد از کلی کلنجار و دعوا با خودت و بدویبراه‌گفتن به این بی‌اعتمادی‌ها نسبت به دانشجوی مظلوم و بی‌گناه، تعهدنامه را امضا می‌کنی. روز امتحان همچون روزهای دیگر، شاید کمی تلخ‌تر، از راه می‌رسد. با سرعت چک کردن سه پاسخنامه و چهار سایت در ثانیه، پاسخ سوال‌ها را می‌یابی و تحویل CW می‌دهی. بعد از امتحان -بخوانید بعد از خندیدن به ریش تعهدنامه- زندگی را سخت‌تر از پیش می‌یابی. با نق‌زدن و خرده‌گرفتن به دنیا و اتفاقات مضحک‌ش تخلیه‌ی روانی می‌شوی و در انتظار پاس‌شدن می‌مانی.

دوران تحصیل مجازی آن قدر می‌تواند توانمندی‌ها و ویژگی‌هایت را صیقل دهد که موفقیت‌های آینده‌ات تضمین‌شده باشد! چطور؟ تو با شکل جدید و کامل‌تری از مفهوم استقلال مواجه هستی. همه چیز دست توست. پازل زندگی‌ات را به انتخاب خودت می‌چینی.

پرده آخر

سال‌ها گذشته و تو تمام مدت خودت را با این جمله که دروس آکادمیک به درد دنیای کار و صنعت نمی‌خورد، یکی‌یکی کلاس‌ها را گوش‌ن داده‌ی حاضری زده‌ای و در امتحان‌ها با سرعت بیشتری تقلب کرده‌ای. علی‌رغم انتظار تو، کاری آنچنان که درخور و شایسته‌ی توانایی‌های منحصرفرد و شگفت‌انگیز تو باشد، نمی‌یابی. سرانجام راه توصیه‌ی درس‌نخواندن و دانشگاه‌نرفتن به کنکورهای ازهمه‌جایی‌خبر را در پیش می‌گیری.

کات

ورودی عزیز، سلام! سکانس‌های احتمالی از زندگی دانشجویی مجازی را خواندی!! همه چیز خیلی اسفناک به نظر می‌آید. درست نمی‌گوییم؟ اما اینطور نیست. در واقع بهتر است بگوییم همه چیز به تو بستگی دارد. دوران تحصیل مجازی آن قدر می‌تواند توانمندی‌ها و ویژگی‌هایت را صیقل دهد که موفقیت‌های آینده‌ات تضمین‌شده باشد! چطور؟ تو با شکل جدید و کامل‌تری از مفهوم استقلال مواجه هستی. همه چیز دست توست.

پازل زندگی‌ات را به انتخاب خودت می‌چینی. کسی نیست زمان و فعالیت‌های تو را کنترل کند. برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی تماماً به عهده‌ی خودت است. ولی واقعاً چطور می‌شود با سیستم جدید و کسالت‌بار آموزش، درس خواند و موفق شد؟ باید پشت‌صحنه را دید!

پشت صحنه

سیستم جدید نه‌تنها کسالت‌بار نیست، بلکه خیلی هم پویا و انعطاف‌پذیر است! رعایت نکردن چند نکته‌ی ظریف و پیش‌پاافتاده، فاجعه‌ای همچون آنچه بالاتر توصیف شد به بار می‌آورد. می‌پرسید چه نکاتی؟ ساده است!

خواب شیرین، خوش است!

باور کنید ۹۹ درصد انگیزه، شور و هیجان، پشتکار و روحیه‌ی بالا در ساعات ابتدایی روز، بعد از طلوع آفتاب، نهفته است! انرژی و شوقی که برای شرکت در کلاس مجازی نیاز است، بیش از پیش به خواب کامل و درست تو بستگی دارد. در زمان درست (۲۲ تا ۶) غافل شوی، کلاهدت پس معرکه است!

قبل از تو

وقتی کلاس‌ها حضوری بود، خواه ناخواه باید برای شرکت در کلاس آماده می‌شدی، آبی به دست و صورت می‌زدی و صبحانه‌ای میل می‌کردی. اکنون مجازی شدن کلاس‌ها احتمالاً اهمیت آمادگی پیش از کلاس را کم‌رنگ کند. باز هم انتخاب توست که این آمادگی را جدی بگیری و قبل از ورود به کلاس، خواب از سر پرانده باشی یا کلاس را به رخت خواب ببری!

با تو

میزان یادگیری درس به حضور فعال تو در کلاس وابسته است. انفعال در کلاس، بیشتر از قبل یادگیری‌ات را کاهش می‌دهد. پس باز هم باید بر اراده‌ات غلبه کنی. هنر سوال‌پرسیدن و جزوه‌نوشتن خیلی به کارت می‌آید. همچنین، زمان حضوری‌بودن کلاس‌ها عوامل کم‌کننده‌ی بیشتری برای حفظ تمرکز وجود داشتند، اما حالا تمرکز مثل کش شده؛ ره‌ایش کنی، درمی‌رود.

بعد از تو

دو ساعت زمان گذاشتن برای مطالعه‌ی جزوه‌ی درس همان روز، معادل چهار ساعت درس‌خواندن آخر هفته است. از آنجا که بار امتحانات ترم و میانترم در طول ترم پخش شده است، اهمیت تثبیت دروس در همان روز پرنرنگ‌تر است. اینجا اهمیت توانایی برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی نمایان می‌شود.

پیش به سوی بهترین شدن

تعریف بهترین شدن اشاره کنم و آن هم سبک زندگی هست.

یکی از مهمترین قسمت‌های بهترین شدن، داشتن

بهترین سبک زندگی دانشجویی هست. سبک زندگی یعنی شیوهی چگونه زیستن. قرار نیست خیلی مصداقی شویم. چند قاعده‌ی کلی‌ای که شما باید داخل کارهایتان پیاده‌شان کنید. یک عادت فوق‌العاده که شما داخل این مدت کنکور خواندن پیدا کردید، اصلاً از دستش ندهید. حتماً برنامه‌ریزی هفتگی داشته باشید. من حقیقتاً داخل زندگی به این رسیدم که "واقعیت با برنامه‌ریزی کارکرد ۱ ساعت بدون برنامه‌ریزی را دارد". با برنامه‌ریزی به همگی کارهایتان برسید. خوش‌وبش با رفقا و تفریح و درس‌خواندن و کلی کار دیگر. این یک دو، حتماً حتماً همه‌ی کلاس‌ها را شرکت کنید. و تمرین‌ها را هم به موقع تحویل بدهید. این دو کار باعث می‌شود فهم بهتری از درس داشته باشید و از بچه‌هایی که در کلاس نیستند در کل به نسبت وقت کمتر و نتیجه‌ای بهتر می‌گیرید. تجربه‌ی ۲ساله‌ی من این هست که ول کردن کلاس‌ها اولین قدم یک فاجعه در آینده خواهد بود. سه، برای بهترین شدن غیر از درس نیازمند کارهای دیگر هم هستید که خودتان متناسب هدف‌تان مشخص کنید. باید یک اولویت‌بندی بین این کارها بکنید و در برنامه‌ی روزتان به آن‌ها بپردازید. مهارت‌های مختلف، ویژگی‌های روحی مختلف و ... (مثلاً خلاقیت، مدیریت جمع، قدرت صبر، مهارت گرافیکی، تندخوانی، دانش تربیتی، ورزش خاص و ...) و نکته‌ی آخر. سعی کنید ببینید دانشجوی‌های دیگر در دانشگاه چه فعالیت‌های غیردرسی دارند. و بخوبی به کاری که می‌کنند، دقت کنید. روزنامه‌ی شریف، بسیج، انجمن‌های علمی، انجمن اسلامی، کانون‌های فرهنگی، هیأت، طرح پشتیبان و ... با خودتان بررسی کنید که چرا این کارها را انجام می‌دهند و به چه ویژگی‌هایی بعد از یک مدت می‌رسند. مثلاً کسی که مسئول مالی هیأت می‌شود، قدرت مدیریت بالایی پیدا می‌کند؛ یا کلاً هرکار جمعی، نقص‌های ارتباطی ما را مشخص می‌کند و ... رفقا، حتماً حتماً کارهای مختلف را ببینید و به سمت انجام‌دادن آن‌هایی که فکر می‌کنید برای شما بهتر هستند بروید. در کنارش باید در درس عالی باشید. این‌ها چند نکته از نکات زیاد بهترین سبک زندگی دانشجویی بودند. (پیدا کردن بقیه‌اش به عهده‌ی خودتان!) شریف باید از این ضعف فعلی خودش برگردد و هم‌اکنون به دست خودمان هست. باید هم بهترین شویم و هم دانشگاه‌مان را بهترین کنیم و هم جامعه‌مان را بهترین کنیم...

به قلم عرفان مطرفی

وردی ۹۷ مهندسی مکانیک



دو سال پیش بود که همین زمان، با نشاط زیادی در حال چرخیدن داخل دانشگاه بودم. خیلی حس خاصی بود. کجایی جوانی؟! به امید خدا زودتر این بساط کرونا هم برچیده شود و داخل دانشگاه ببینیم‌تان. خیلی از ما، پنهان یا آشکار، دنبال آماده‌شدن برای کار فوق‌العاده و معدل بالا و اپلای و ... هستیم. تقریباً یقین داریم. همه‌ی این دغدغه‌ها واقعاً خوب هست اما می‌خواهم دغدغه‌ای را نشان بدهم که تمام این دغدغه‌ها را پوشش می‌دهد. آن دغدغه چیست؟ "بهترین شدن". شما وقتی بهترین دانشجو باشید، نباید نگران کار باشید و دنبال کار بروید، بهترین کارها به سمت شما می‌آید و شما باید انتخاب کنید که چه کاری بکنید. وقتی بهترین باشید، دانشگاه‌های خارج به دنبال جذب شما هستند. وقتی بهترین باشید، ظرفیت این را دارید که صنعت و علم کشور را متحول کنید. الان به جایی رسیدیم که استاد بهترین دانشگاه صنعتی کشور به دانشجویها بگوید: "بچه‌ها، خیلی پروژه دست من می‌آید اما چون آدم لایق نمی‌بینم که این پروژه‌ها را بهش بسپارم، مجبورم پروژه‌ها را قبول نکنم". دانشجوی‌های بهترین دانشگاه کشور این قدر ضعیفند؟! بله. و خلاصه بگویم؛ بچه‌ها سعی کنید بهترین شوید. بهترین...

اولین سوال که به ذهن می‌آید، "چطور باید بهترین شویم؟" جواب این سوال ساده است اما عمل کردن بهش سخت. یک اصلی که از مجموعه سخنرانی‌های مدیریت فردی و مدیریت زمان و کتاب‌های برایان تریسی و تونی بوزان فهمیدم این هست که (یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت فردی) هدف را باید دقیق دقیق کرد تا قابل رسیدن شود. همه شما رتبه‌های خوب کنکور هستید و این جمله‌ی من را تایید می‌کنید. اگر کسی بفهمد که برای رتبه یک شدن چه کارهایی باید انجام بدهد و آن‌ها را انجام بدهد، به راحتی رتبه ۱ می‌شود. رتبه ۱ شدن را باید دقیق کنیم. رتبه ۱ شدن یعنی برنامه‌ی درسی داشتن، یعنی تعداد زیاد تست زدن، یعنی سبک زندگی کنکوری داشتن و ... وقتی این‌ها را انجام دادیم رتبه ۱ خواهیم بود. کسی که می‌خواهد شبیه پروفیسور سمعی شود، اگر فهمید که پروفیسور سمعی یعنی خلاقیت، تلاش، تحمل سختی‌ها، فلان درجه‌ی علمی، غیر از درس‌خواندن، تحقیق کردن و ... و به اینها عمل کرد؛ به هدف می‌رسد.

قرار شد که بهترین شویم و فهمیدیم لازم‌اش این هست که دقیقاً تعریف کنیم بهترین شدن یعنی چی. در ادامه قصد داریم به یک قسمت از

آخر هفته‌ها

مرور و حل تمرین به صورت گروهی از موثرترین روش‌های تثبیت کامل دروس است. اگر زمانی که تمرینی برای تحویل نداشته باشی، به صورت خودجوش تمرین حل نکنی، احتمالاً هفته‌ی امتحانی سختی در پیش خواهی داشت. تفاوت مهم ترم مجازی با ترم حضوری، تقسیم وزن امتحان پایانتروم در طول ترم است. آن را جدی بگیر.

من تعهد می‌دهم که...

قرار است قدرت تسلط کامل بر خودت آزمایش شود. هیچ مراقب امتحانی‌ای وجود ندارد و تو هستی و خودت. در دیزی باز است و حیای گربه را می‌طلب! پایه‌های اخلاق مهندسی همینجا شکل می‌گیرد.

قرار است قدرت تسلط کامل بر خودت آزمایش شود. هیچ مراقب امتحانی‌ای وجود ندارد و تو هستی و خودت. در دیزی باز است و حیای گربه را می‌طلب! پایه‌های اخلاق مهندسی همینجا شکل می‌گیرد.

غول مرحله‌ی آخر

اگر شش خان قبلی را به خوبی گذرانده باشی، هفته‌ی امتحان نباید سخت باشد. حتی در عین ناباوری می‌تواند لذت‌بخش باشد؛ قرار است نتیجه‌ی تلاش‌هایت را ببینی. کنترل سرعت حل و مدیریت زمان جدی‌تر از قبل نیاز است. باید سطح اضطراب را که همچون نیروی اصطکاک مانع حرکت روبره‌جلوست، کم کرد.

اکران

خیلی چیزها یاد گرفته‌ای. انگیزه و اراده‌ی بالایی کسب کرده‌ای. بر خودت مسلط شده‌ای و آنچه می‌خواهی به راحتی انجام می‌دهی. درس‌خواندن آن هم در رشته‌ی مورعلاقات دلچسب و شیرین می‌شود. تکنولوژی هر لحظه با امکانات جدیدش شگفت‌زده‌ات می‌کند. کارها خیلی سریع‌تر و راحت‌تر پیش می‌روند. تو زمانت را طوری مدیریت کرده‌ای که نه تنها به کارهایت می‌رسی، بلکه زمان زیادی برای پرداختن به تفریح و سرگرمی داری. ساعت‌هایی که حین رفت‌وآمد به دانشگاه هدر می‌رفت، حالا تبدیل به فرصت شده است. کلاس‌ها و جلسات مورعلاقات ضبط می‌شوند و تو می‌توانی هر وقت که بخواهی، آن‌ها را تماشا کنی. وقت بیشتری را می‌توانی با خانواده‌ات سپری کنی. و سرانجام تو قوی‌تر، توانمندتر و با اعتمادبه‌نفس تر شده‌ای! به زندگی دانشجویی مجازی خوش آمدی که با تمام سختی‌هایش پر از فرصت‌های طلایی برای رشد بیشتر توست!

اراده کن و بچش‌شان!

به قلم مریم محمدی

وردی ۹۸ مهندسی مواد و متالورژی

شریف، باز بنویس! این‌جا هم همه در «شریف» درس می‌خوانند اما در عوالم مربوط به خودشان اند. شریف برای کسی که خودش می‌خواهد، پله‌ی اپلای است؛ برای کسی که خودش می‌خواهد، پله‌ی شغل خوب است؛ برای کسی که خودش می‌خواهد، مقدمه‌ی علوم انسانی است و هزاران هزار دنیای دیگر! اشتراک جملات بالا را بگیری این می‌شود: «برای کسی که خودش می‌خواهد...» بنابر این فکر نکن چک سفید امضا دستت داده‌اند. به قول شاعر: «از خود بطلب هر آن‌چه خواهی؛ که تویی...!»

اصل آخر: تکرار هدف

وجدان این آخری توضیح خاصی ندارد. در همین حد که «هدف، به کار، ارزش می‌بخشد!». حال و هوای دانشجویی، پر است از سروصدا و هیاهو و گوناگونی تک‌تک لحظات آدم! کسی گم نمی‌شود که هدفش را ممتد به خودش یادآوری کند. یادآوری هدف، اکیژن این مسیر است. خفه نشوی فقط...!

این‌ها کپسول‌هایی بود که شنیده و زیسته، بهانه‌ی هم‌صحبتی‌مان شد. یادت باشد عجلول بودن، از آفات است و همیشه قرار نیست نتایج، کپسولی به دست بیایند! عجلول بودن، یکی از آورده‌های نحس این تکنولوژی‌هاست! ۴G ما را خیلی عجلول بار آورده است دیگر! اما عجله، وقتی معنا دارد که برکت معنا بازو و وقت کم باشد و کار، بسیار!

چشم به هم بزیم، همان‌طور که قبل از این، خیلی زود گذشت؛ ادامه هم همین است. چه زود «ای کاش امسال ورودی بودیم» را مزه کنی! دانشجویی، خصوصا سال اولش، برای کسی که «خودش بخواد»، منشا اتفاقات و تجربیاتی ذی‌قیمت است. اراده کن و بچش‌شان! خلاصه که این ماییم و گوی میدان و اراده‌مان! که جنگ، جنگ اراده‌هاست...

باشد تباه نشوی! غرض اینکه با بزرگ‌تر شدن آدم، کارهایی که می‌توانی انجام بدهی، بزرگ می‌شوند. سرعت‌ها بالاتر می‌روند و حواست باشد که سرعت بالا به همان اندازه که حقیقتا مهیج است، کمی با ملاحظه هم هست! اگر کمی حواست به خودت باشد، طبیعتا موفقیت‌ها در پیش است. تباهی، تدریجی است! خیلی یواش‌یواش کار می‌کند. حواست باشد یک طوری ریشه‌اش را بزنی. جمع‌های خوب و دوست‌های حقیقی، کمک‌کننده اند! تا می‌توانی اطرافت را پر کن از آدم‌هایی با خصلت‌های خفن! (اگر خواستی، سری هم به ما بزنی!)

اصل دوم: خواب

باز هم اگر می‌خواهی نخوانی؛ نخوان. حرف من یک کلام است: «خوابت را کنترل کن.» لابد می‌گویی چند بخوابم چند بیدار شوم؟! نه! این خواب نه! دانشجو کلا نباید بخوابد چون مؤذن جامعه است! این جمله را شنیده‌ای اما حواست باشد که ادامه‌اش این است: اگر بخوابی، نماز ملت قضاست! بنابراین با ریاضی و فیزیک و نمره و کوییز، حواست باشد که خوابت نکنند! از این همه باری که بر دوش ماست، نمی‌توان خوابید...

اصل سوم: از خود بطلب

مگر اطرافت نبوده‌اند کسانی که در مدرسه‌ی تو درس خوانده‌اند ولی شبیه تو نیستند؟ مگر نبوده‌اند کسانی که دقیقا کنار ما زندگی کرده‌اند اما شبیه ما و انتظارات ما نیستند؟! همین قانون را برای

و بالاخره شریف! احتمالا نفس عمیقی که ناشی از افتخار است هم بعدش می‌کشی! بعد از تبریک و همه‌ی این داستان‌ها، که هم آدم را توی هاله‌ای از خوشی می‌برند؛ و هم اتفاقا لازم اند و شیرین اند، می‌خواهیم جدی جدی دانشجویی را یک دور بالاپایین کنیم. البته که این حرف‌ها را اگر سال‌بالایی‌ها به ما می‌زدند؛ جور دیگری نمی‌شدیم حقا! چون این نصیحت‌ها، گوش‌ها کر کرده‌است که مپرس! اما به هر حال باید نشریه یک طوری پر شود دیگر! اما سعی می‌کنیم نصیحت، کم‌تر درونش باشد و البته این را هم بگویم که تکلیف دروسی مثل ریاضی یک و فیزیک یک را خود دانید. در حیطه‌ی متن ما نمی‌گنجد! ما اصل را (که همان دروس پایه‌ی نابلدگش است) رها کرده‌ایم و یک‌سری فرعیات را می‌خواهیم بگویم که دانشجو را از «ریات درس‌خوان نمره‌بیار» جدا می‌کند. فرع است دیگر...!

پارسال همین موقع‌ها، وقتی اولین بار لفظ «شریفی‌بودن» بر ما صدق کرد و آمدیم و چهار پنج تا سال بالایی را دیدیم؛

دروغ چرا؟! خدا را بنده نبودیم! رسماً توی این حال و هوا که «ای بابا شما دیگه کی هستید؟!» بودیم. حتی قرار کردیم برویم یک تشکل جدید بزیم چون ما از همه بهتر بودیم و ساختارهای فعلی، پاسخگوی ما نبود! سرتان را درد نیاورم؛ عبرت و عاقبتش این است: «هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است.» چه بخواهید چه نخواهید.

قبل از اصل اول این را بگویم که پارسال همین موقع‌ها، وقتی اولین بار لفظ «شریفی‌بودن» بر ما صدق کرد و آمدیم و چهار پنج تا سال بالایی را دیدیم؛ دروغ چرا؟! خدا را بنده نبودیم! رسماً توی این حال و هوا که «ای بابا شما دیگه کی هستید؟!» بودیم. حتی قرار کردیم برویم یک تشکل جدید بزیم چون ما از همه بهتر بودیم و ساختارهای فعلی، پاسخگوی ما نبود! سرتان را درد نیاورم؛ عبرت و عاقبتش این است: «هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است.» چه بخواهید چه نخواهید.

اصل اول: تباهی!

اگر این پاراگراف را می‌خواهی تا ته نخوانی، مهم نیست. یک خط‌اش می‌شود این‌که حواست





مصاحبه با دکتر روح‌الله دهقانی

شروع بهترین فصل زندگی

با تلاش فراوان موفق شدیم تا ایشان را پشت تریبون بنشانیم. دغدغه و مشغله‌های زیاد را کنار گذاشته بودند و یک‌ساعتی به ما غنیمت داده بودند. دکتر روح‌الله دهقانی (استاد دانشکده‌ی هوافضا). کسی که ریش‌هایش را در شریف سفید کرده و به قول قدیمی‌ها حق آب‌وگل دارد. از کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری تا استاد دانشگاه و فعال در حوزه‌های دانش‌بنیان. کسی که معاون فرهنگی سابق دانشگاه شریف بوده و تا دلتان بخواهد برای دانشجوی ورودی نکته و توصیه دارد

در قبال فضاهای مختلف دانشگاه شریف و فضای رشدی در آن توضیحاتی بدهید.

دانشگاه شریف طبق آخرین اطلاعاتی که من دارم نزدیک به پانصد مرکز پژوهشی و دانش‌بنیان را زیر نظر دارد. اغلب این مراکزها بین میدان‌انقلاب تا میدان آزادی واقع شده‌اند. شریف همانند قلب این مراکز می‌باشد. از این بابت از کلیدواژه‌ی قلب استفاده کردم که بحث خون‌رسانی درمیان است. خون‌رسانی هم مسئولیت قلب است نه مغز. دانشگاه شریف با تأمین‌کردن نیروی انسانی مورد نیاز این مراکز همانند موتور محرکی ایفای نقش می‌کند. البته با توجه به شرایط فعلی دنیا و وجود کرونا یکسری چالش‌ها به وجود آمده‌است که در رابطه با آن‌ها حرف‌هایی خواهم زد. ولی به صورت کلی این مراکز پروژه‌ها و کارهای بزرگی انجام می‌دهند و درکنارش نیروهای خوبی را تربیت می‌کنند. تلاش می‌کنند تا شخصیت کامل‌تری را از افرادی که بعضاً یک‌بعدی پرورش داده شده‌اند ارائه دهند. پس اگر به همین صورت به کارشان ادامه دهند مطمئناً نتایج بهتری حاصل می‌شود. گرچه باید برنامه‌ریزی داشته باشیم تا درآینده‌ای نزدیک بچه‌های شهرستان هم بتوانند از این‌نعمت برخوردار شوند.

دانشجویی که روحیه‌ی تک‌بعدی دارد چگونه می‌تواند مسیر خودش را در شریف پیدا کند؟ این جور شخصیت‌ها معمولاً نیازمند عامل بیرونی هستند.

دانشجوی شریف مثل ورزشکاری هست که در این چندساله فقط دمبل تمرین می‌کرده‌است. بهتر بگویم خیلی خوب درس خوانده است ولی به‌احتمال زیاد به کارهای دیگر به صورت برنامه‌ریزی شده نرسیده است. از این بابت تک‌بعدی بودن مطرح می‌شود. خوب درس‌خواندن بد نیست ولی فقط یکی از مولفه‌های کمال می‌باشد. در ابتدا باید آدم کامل یا دارای کمال را تعریف کنیم. به صورت ساده آدمی که تحصیل می‌کند و به اخلاقیات و معنویاتش می‌رسد و درکنار آن ورزش را هم در برنامه‌اش دارد آدم کاملی هست. البته این را هم باید بگویم که در کنار اخلاق خوب باید آداب معاشرت هم داشته باشد. دانشجوی شریفی برای رسیدن به شریف سختی

صدهزار نفر گزیده شده‌اند و این مسئله باعث نابودی استعداد آن‌ها می‌شود. بهتر خواهیم توصیه کنیم درحال تحویل‌دادن یک نسل ناقص دانشجو هستیم.

مسئولیت دانشجو در این شرایط چیست؟

خب مطمئناً مسئولیت دانشجو متفاوت از بحث دانشگاه و دولت و دولت‌مردان است. ولی دانشجو چندان هم دست‌وپا بسته نیست. من دهقانی اگر در شرایط فعلی دانشجو بودم اولین کاری که می‌کردم این بود که خیلی‌جودی و رسمی سرکلاس‌ها حاضر می‌شدم. پشت میز هم می‌نشستم روی صندلی یا مبل لم نمی‌دادم. اگر هم می‌شد در کتابخانه یا فضای عمومی با رعایت کامل پروتکل‌ها درس می‌خواندم. یا حداقل اگر بحث رفت‌وآمد به شهرها مطرح هست من یک ایده‌ای را در ذهن دارم. آن‌هم اینکه دانشگاه‌های هر استان برای بچه‌های بومی آن‌شهر باز شود. یعنی حداقل دانشجو فضای دانشگاه را ببیند. یک تصویر حقیقی از دانشگاه داشته باشد. تا اینجا دوتا توصیه گفتیم. توصیه سوم من این هست که حتماً یک روز بیایند و شریف و محیط آن را از نزدیک ببینند. اساتید را از نزدیک ملاقات کنند. اساتید راهنما را ببینند. سعی کنند ارتباط برقرار کنند.

در رابطه با فضای مجازی و استفاده‌ی غیردرسی دانشجو از آن چه نظری دارید؟

من تأکید می‌کنم دانشجو فیلم ببیند، اطلاعات عمومی کسب کند. انسان کامل این‌ویژگی‌ها را داراست. تلگرام‌گردی یا اینستاگرام‌گردی تقریباً جز آسیب‌چیزی برای ما ندارد. منبع را ما انتخاب می‌کنیم. بهتر است تلویزیون، رادیو یا سایت‌های خبری باشد. رسانه‌ها در فضای مجازی باعث هرزگردی ما می‌شوند. درکنار این‌ها برنامه‌ریزی هم حتماً داشته باشیم. حالا الان درست هست که دانشگاه تعطیل هست ولی باید خودمان دست‌به‌کار شویم. براساس محورهایی که مشخص کردیم برنامه‌ریزی کنیم. به‌عنوان مثال یک ساعتی را در روز مشخص می‌کنم برای قدم‌زدن و پیاده‌روی. درضمن این را هم بگویم که تا ترم چهارم بحث درس و جزوه درمیان هست. دانشجو از

زیادی را تحمل کرده و محدودیت‌های زیادی را به خود چشانده است. یکی از محدودیت‌ها نبودن در فضای جمعی می‌باشد. به عنوان مثال مهمانی نرفته است. خوب باید به این کمبودها فکر کند. اگر مهمانی نرفته از این به بعد برود اگر معنویاتش ضعیف است یک وقتی را به مطالعه دراین زمینه اختصاص بدهد. یا به روایتی دیگر دانشجوی ورودی شریف تازه هجده سالش هست ولی کمردرد دارد گردن درد دارد و ... پس خیلی شفاف می‌گویم اولین کار دانشجوی ورودی آن است که تحقیق کند و بفهمد که انسان کامل چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

فضای دانشگاه تا چه حد این مسائل را برطرف می‌کند؟

قبل از این بستر خوبی فراهم بود. وجود افراد ذوالوجهین و چندبعدی این مسائل را تا حدودی برطرف کرده بود. ایجاد تشکل‌های دانشجویی و امکان انجام فعالیت‌های دانشکده‌ای بخشی از این نیازها را برطرف می‌کرد. البته این فعالیت‌ها به صورت اختیاری است و اینجاست که مسئله‌ی خواستن مطرح می‌شود. اما حالا که درگیر ویروس و مشکلات آن هستیم من یک فاجعه را می‌بینم. فاجعه‌ای به نام دانشگاه مجازی. دوازده سال تحصیل و خستگی برای شریف. حالا کو شریف؟ همین‌جا. همین اتاق. کامپیوتر را روشن کن این هم از شریف. روراست بخواهم بگویم عملاً متربی و کاربرد از این سیستم بیرون نمی‌آید. دانشجو هیچ‌چیزی از دانشگاه ندیده است. شفاف‌تر بخواهم توضیح بدهم با این روش مدرک شریف با مدرک دانشگاه فلان‌جا خیلی تفاوتی ندارد. این جمله‌ای که می‌خواهم بگویم را حتماً بولد کنید. شرکت‌ها و مراکز استخدامی به‌دنبال مدرک نیستند ولی آدم ماهر را مثل آب خوردن جذب می‌کنند. ارزش اصلی شریف به مدرک آن نیست به جو و فضای آن هست. فضایی متشکل از دانشجوی نخبه و استاد درجه یک. پس با وجود این تفاسیر تعطیلی دانشگاه‌ها اصلاً راه مناسبی نیست. درحال واردکردن یک ضربه‌ی بزرگ و بسیار سنگین به پیکره‌ی کشور هستیم. این رویکرد دانشجوی ما را پرت می‌کند. شریفی‌ها از بین

سلام مهندس!

ترم چهار به بعد باید قاطی کار شود. به عنوان مثال رشته‌ی مکانیک تحصیل می‌کند برود سراغ آناتومی ماشین‌آلات و ابزارآلات. عمران می‌خواند برود از نزدیک بنایی‌کردن را ببیند. باید اخلاق دانشجویی پیدا کند. دیگر یادش باشد که دانش‌آموز نیست. به عبارتی خاک درگه اهل هنر شود. در این بحث حرفم را این‌گونه تمام می‌کنم: افتادگی آموز اگر طالب فیضی، هرگز نخورد آب زمینی که بلند است.

به دغدغه‌های دیگر بپردازیم. درقبال بحث مسائل عاطفی و جنس مخالف چه پیشنهادهایی دارید؟

اگر نظر من را بخواهید الآن خیلی‌خطرناک‌تر است. چون شما در فضای حقیقی خیلی اطلاعات بیش‌تری از اطراف و محیط می‌توانید کسب کنید. درفضای مجازی من جز عکس هیچ اطلاعات درستی از طرف مقابل نمی‌توانم کسب کنم. به عنوان مثال در فضای حقیقی شما تا حدود زیادی شاخصه‌ها را درمی‌یابید. پسری هست که خیلی خوش‌تیپ هست ولی اخلاق جالبی ندارد. دخترخانمی هست که در درس فوق‌العاده هست ولی سبک لباس‌پوشیدنش را من نمی‌پسندم. این‌ها را من با چشم خودم می‌بینم ولی فضای مجازی این‌مشکل را دارد که من همان‌طور که دلم می‌خواهد طرف مقابل را ترسیم می‌کنم. واضح به شما جوان‌های عزیز می‌گویم: خیلی پخته نیستید. آسیب می‌بینید. روح‌شما پوسته‌ی نازکی دارد که خیلی راحت مثل برگ گل چیده می‌شود. در بهترین فصل زندگی‌تان به‌سر می‌برید. اگر قرار است آدم بزرگ و کاره‌ای بشوید در همین سنین یعنی از هجده تا بیست‌وپنج‌سالگی جرقه می‌خورد. یادتان باشد عمر گذراست پس حسرت آن را نخورید.

تجربه‌ای دارید از این قبیل صحبت‌هایی که کردید تا برای ما تعریف کنید؟

من خودم یک زمانی عضو کمیته‌ی مواردخاص دانشگاه بودم. نفرسوم کنکورخارج شد. دارنده‌ی مدال طلای المپیاد. شاید باورتان نشود در آخر هم خودکشی کرد. برای آخرین بار می‌گویم ضربه می‌خورید. سراغ مسائل ندیده و نشنیده نروید. درخیلی از کارها باید با بزرگ‌ترتان مشورت کنید. فکر نکنید چون شریف قبول شده‌اید دیگر نیازی به کمک کسی ندارید. دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف از آسیب‌پذیرترین افراد هستند.

در رابطه با بحث اپلای چه نظری دارید؟

من به عنوان یک استاد شریف این حرف را می‌زنم. هیچ مخالفتی با اپلای ندارم. فقط به شرطی که از روی تفکر و تعقل باشد. به بهانه‌ی جوسازی‌ها و صحبت‌های فامیل و عمه و خاله و دایی نباشد. دانشجو باید به خودش مراجعه کند. به درونش مراجعه کند. اگر دلیل منطقی و عاقلانه پیدا کرد این‌کار را انجام بدهد. قرار نیست کسی دنیا را تکان بدهد. پس از روی احساسات تصمیم نگیریم.

به قلم سید آرمین حقیقت



ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

شاید برای خیلی از بچه‌های رشته‌های مهندسی و به خصوص بچه‌های دانشگاه شریف، این جمله خاطره‌انگیز و آشنا باشد؛ جمله‌ای که احتمالاً شما نیز مدت‌ها قبل از این‌که واقعاً مهندس شوید و آن مدرک کذا را بگیرید، آن را خواهید شنید. اما راستش را بخواهید ماجرا اصلاً به این سادگی‌ها نیست! هرچه بگردید هیچ نسخه‌ی فرو فرستاده شده‌ی آسمانی‌ای نخواهید یافت که شما را ملزم به مهندس شدن کند؛ این شما هستید که انتخاب می‌کنید در آینده مشغول چه فعالیتی شوید، این شما هستید که انتخاب می‌کنید چه گلی را به سر چه کسی بزنید!

و صد البته که بودند پیش از من و شما، افرادی که در معرض همین انتخاب قرار گرفتند و به شیوه‌ای نه چندان معمول، این انتخاب را انجام دادند.

موضوع این چند خط هم دقیقاً داستان همین آدم‌هاست؛ کسانی که به جای قدم نهادن در پاکوب‌های مرسوم، مسیری جدید ایجاد کردند و باعث شدند من در جستجویی که برای پیدا کردن مجموعه‌های غیرمعمول پا گرفته از دانشگاه شریف داشتم، به این افراد و مجموعه‌هایشان برسم.

۱) شبکه‌ی کانون‌های تفکر ایران (ایتان):

یکی از مجموعه‌هایی که شریفی‌ها نقش پررنگی در آن دارند، مجموعه‌ی ایتان است که در زمینه‌ی سیاست‌گذاری در حوزه‌های اقتصاد کلان، انرژی، صنعت، کشاورزی، مسکن، تعلیم و تربیت، سلامت و علم و فناوری فعالیت می‌کند.

این مجموعه به سیاست‌پژوهی در این حوزه‌ها می‌پردازد اما به این امر اکتفا نمی‌کند و علاوه بر آن، نظارت و ارزیابی روند اجرای سیاست‌ها را نیز جزء وظایف خود می‌داند؛ از این رو در دایره‌ی وسیعی شامل «تولید فرآورده‌های فکری و تحلیلی»، «برگزاری جلسات متعدد با مسئولان» و «گفتمان‌سازی میان نخبگان و مردم» فعالیت می‌کند. از مهم‌ترین رویکردهای این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «تصمیم‌سازی و سیاست‌پژوهی در خصوص مسائل کلان کشور»

- «زمینه‌سازی برای مشارکت خبرگان در تصمیم‌گیری»
- «هدایت نخبگان، جوانان انقلابی و استعدادهای برتر به سمت گروه‌سازی و تمرکز بر مسائل کلان کشور»
- «کمک به شکل‌گیری کانون‌های تفکر»
- «شبکه‌سازی میان هسته‌های فکری در کشور»

۲) نشر اطراف:

نشر اطراف یکی دیگر از مجموعه‌هایی است که توسط یک شریفی شروع به کار کرده؛ خانم نفیسه مرشدزاده فارغ التحصیل مهندسی شیمی شریف! خانم مرشدزاده متولد شهریور ۱۳۵۰ در تهران، فعالیت خودش را در زمینه‌ی ادبیات از ۱۸ سالگی و با همکاری در مجله‌ی سروش نوجوان آغاز کرد. خانم مرشدزاده از سال ۱۳۷۹ مدیر بخش داستان در سروش جوان و ضمیمه‌ی ادبی پرسه بوده‌است؛ وی پس از تعطیلی سروش جوان در کنار تدریس در دبیرستان‌های «روشنگر» و «منظومه خرد»، دبیری بخش سبک زندگی همشهری جوان را بر عهده گرفت. او از سال ۱۳۸۹ هم سردبیر مجله همشهری داستان شد و شکل تازه‌ی این مجله را پی‌ریزی کرد و پس از آن در مرداد ماه ۱۳۹۶ نشر اطراف را تأسیس کرد.

نشر اطراف فعالیت خودش را به صورت تخصصی در حوزه‌ی روایت تعریف کرده و بنا دارد نمونه‌هایی از آثار قابل تأمل همه‌ی گونه‌های روایت را منتشر کند. اطراف در کنار بحث‌های نظری روایت، به قصه‌ها و تجربه‌های زیسته می‌پردازد و می‌کوشد نشان دهد چرا و چگونه قصه‌ها و روایت‌ها در سرنوشت فردی و جمعی ما تأثیر می‌گذارند. نشر اطراف با تدوین و جمع‌آوری روایت‌های مستند و ثبت تجربه‌های زیسته، گزارش‌های سفر و روایت‌های چندصدایی تلاش کرده وضعیت امروز را ثبت کند تا شاید از مسیر تبادل روایت‌ها و قصه‌ها، تعامل ما با جهان اطراف آسان‌تر و مؤثرتر شود. برای مشاهده‌ی آثار منتشر شده از این نشر می‌توانید به سایت <https://atraf.ir> مراجعه کنید.



نشر اطراف



مشرف به شریف

به قلم عرفان طلوعی

ورودی ۹۶ مهندسی عمران



با حکم رهبر انقلاب به مسئولیت بنیاد مستضعفان رسید. حضور او در این بنیاد با حاشیه‌هایی همراه بوده‌است. از جمله مصاحبه جنجالی وی راجع به املاک بنیاد مستضعفان که نهادهای دیگری از آن استفاده می‌کنند و حاضر به برگرداندن آن‌ها نیستند. او بعدا بخاطر بعضی از صحبت‌هایش رسماً عذرخواهی کرد. گفته می‌شود پرویز فتاح از گزینه‌های محتمل برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ است.



۳- الهام یآوری

خانم دکتر الهام یآوری که به تازگی ریاست سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان «سمپاد» را به عهده گرفته‌است، فارغ‌التحصیل دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف در مقطع کارشناسی بوده‌است. او با تغییر نسبی در رشته خود، برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و مدرک دکتری خود را در رشته مهندسی صنایع از دانشگاه سرشناس برکلی دریافت کرد و به کشور خود بازگشت، تا در ایران به کار مشغول شود. این بانوی شریفی توانست در مدت کوتاهی ریاست مرکز آمار و ریاست اتاق فکر کارآفرینی وزارت کار را به عهده بگیرد تا به همه ثابت شود، دختران شریفی نیز توانایی‌های بالایی در زمینه‌های مختلف دارند، می‌توانند به عرصه مدیریتی کشور پا گذاشته و اثرگذاری‌های مثبتی داشته باشند. این تنها یک نمونه از بانوان شریفی موفق است که توانسته به موفقیت‌های گوناگونی برسد و کارهای مهمی را برای کشورش انجام داده‌باشد.



ایشان هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف هستند و در مرداد امسال نیز به مقام ریاست سمپاد درآمدند، تا با اصلاحات مختلف بتوانند سمپاد را به جایگاه مطلوب خود برگردانند و با سیاست‌های جدید در پرورش نخبگان به موفقیت‌های بیشتری برسند. پیشنهاد می‌کنم شماره ۷۷ میدان انقلاب را که به عدالت آموزشی و سمپاد پرداخته است، حتما بخوانید.

مانند دکتر اردکانیان، وزیر فعلی نیرو، که عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی عمران هستند. ستاری با اینکه می‌توانست برای ادامه تحصیل و با بورسیه تحصیلی به آمریکا برود اما تصمیم گرفت در ایران بماند، تا در کشور خود به فعالیت‌های علمی و تخصصی بپردازد. او سال‌ها در ایران به کارهای مختلف علمی و صنعتی مشغول بود. اما از سال ۹۲ و با روی کار آمدن دولت حسن روحانی، به ریاست بنیاد ملی نخبگان و معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور درآمد و تیتراژ یک اخبار نخبگان شد؛ چه در دیدارهای نخبگان با رهبر انقلاب، چه در فعالیت‌های مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان و فضای استارت‌آپی، نام سورنا ستاری همواره بیشتر از بقیه دیده می‌شد. او در این مدت توانسته تا حد خوبی جلوی فرار مغزها را بگیرد و از شرکت‌های دانش‌بنیان و تخصصی حمایت‌های خوب و مؤثری بکند.

۲- سیدپرویز فتاح

یکی دیگر از شریفی‌های فعال و سرشناس پرویز فتاح است. شاید جالب باشد که بدانید پرویز فتاح فارغ التحصیل کارشناسی مهندسی عمران دانشگاهمان بوده‌است. رشته‌ای که شاید کمی به فعالیت‌های فعلی او بی‌ربط باشد. البته همه منسب‌های او به این رشته مهندسی بی‌ربط نبوده‌است. او در دولت اول محمود احمدی‌نژاد وزیر نیرو شد و تا آخر این دولت، سکان این وزارتخانه را در دست داشت. در دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد اما وزیر نماند و به سپاه برگشت. او ۴ سال نیز مسئول کمیته امداد امام خمینی(ره) بود و با هدف جلوگیری از محرومیت و استضعاف فعالیت خود را پیش برد. بعد از این نیز در سال ۹۸



سلام به همه شریفی‌های جدید. خیلی تبریک می‌گویم که بعد از یک سال و اندی تلاش توانستید در مارا تن کنکور به شریف برسید. شاید خیلی از شماها تصویری که تا به حال از شریف و شریفی جماعت داشتید، این بوده که شریف جایست که آدم‌های درس‌خوان و مهندس‌های قوی پرورش می‌دهد و شریفی‌ها هم همگی شاخص‌ترین ویژگی‌شان همین موفق بودن در زمینه علمی است. افرادی که در حیطه‌ی تخصصی رشته خود موفق شده‌اند و شاید خیلی ارتباطی با فعالیت‌های کلان چه داخل و چه خارج از کشور نداشته باشند. اما ما در این یادداشت می‌خواهیم، با آوردن چند نمونه از شریفی‌هایی که در موقعیت‌هایی نسبتاً خاص مشغول به کار بوده یا هستند، کمی این تصور را تغییر دهیم. شاید با این یادداشت بهتر بتوانید اهمیت چند بعدی بودن را به‌خصوص برای شریفی‌ها درک کنید.

خب، برویم سراغ نمونه‌ها:

۱- سورنا ستاری

شاید خیلی از شما با معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری و رئیس بنیاد ملی نخبگان آشنا باشید. دکتر سورنا ستاری، فرزند شهید منصور ستاری، نه تنها در مقطع کارشناسی، بلکه در مقاطع ارشد و دکتری نیز در دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه خودمان، یعنی صنعتی شریف تحصیل کرده‌است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه هستند؛ ولی به دلایل مشغله‌های کاری فعلاً هیچ درسی را ارائه نمی‌کنند؛



۳- علیرضا افشار

سردار علیرضا افشار فارغ‌التحصیل مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف است. او از دانشجویان پیرو خط امام بود و در دوران دانشجویی به فعالیت‌های سیاسی و مبارزه می‌پرداخت. و بعد از انقلاب نیز به فعالیت‌های مهم دیگری مشغول شد. مهم‌ترین کار او تأسیس **جهاد سازندگی** با هدف کمک‌رسانی دانشجویان **به روستاییان بود.** روستاهای ایران در آن زمان از محروم‌ترین نقاط دنیا بودند و نیاز شدیدی به کمک‌رسانی داشتند.

برخی نهادها در اول انقلاب با هدف مشارکت قشرهای مختلف مردم در کارهای مورد نیاز کشور تأسیس شدند. مثلاً همین جهاد سازندگی، بنا بود مردم و دانشجویان را در خدمت‌رسانی به روستاها به کار بگیرد و اتفاقاً عملکرد رضایت‌بخشی هم در این مهم داشت. ولی پس از مدتی این نهاد مردمی به وزارت جهاد سازندگی تغییر یافت. با دولتی شدن این نهاد، دیگر مردم مثل قبل توانایی مشارکت در فعالیت‌های سازندگی را نداشتند و این تغییر ساختار، موجب تغییر در هدف و عملکرد این نهاد نیز شد.

شاید اگر جهاد سازندگی همانند اول انقلاب به فعالیت مردمی خود ادامه می‌داد، حالا شاهد ماجراهایی مثل ماجرای مشکل آب‌رسانی به غیزانیه نبودیم. حتی بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور مثل اشتغال یا مهاجرت از روستا به شهر و... با ادامه فعالیت جهاد سازندگی به راحتی قابل حل بود.

علیرضا افشار پس از تبدیل شدن جهاد سازندگی به وزارت جهاد سازندگی، از وزارت بیرون آمد و به سپاه پیوست. او سخنگویی سپاه و ریاست ستاد کل سپاه را نیز به عهده گرفت و سپس در بسیج و ریاست دانشگاه امام حسین (ع) نیز مشغول به کار شد.

۵- حسین شمعدری

شمعدری مستندساز معروف، ورودی سال ۸۵ مهندسی مواد و متالورژی دانشگاهمان بوده ولی در ارشد درس را نیمه‌کاره رها کرده و به سراغ مستندسازی رفت. به نظر او تحصیلات دانشگاهی نسبت به کار مستندسازی که حرفه اوست کم‌ارزش‌تر بوده و بیشتر برای پرستیژ است. او بعد از رها کردن تحصیل خود در دانشگاه شریف، وارد رشته سینما شد و مدرک ارشد خود را گرفت. با این

حال به قول خودش گرفتن این مدرک به خودی خود تاثیری ندارد.

خب برویم سراغ کار اصلی او یعنی مستندسازی؛ او مستندی را تحت عنوان "میراث آلبرتا" ساخت. مستندی سریالی که با موضوع مهاجرت نخبگان از ایران که زیاد دیده‌شد. قسمت اول این مجموعه اختصاصاً در مورد دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف است. او در سطح دانشگاه و خوابگاه به مصاحبه با دانشجویان پرداخت و علاوه بر آن با اساتیدی مثل دکتر نائیب از دانشکده برق و دکتر مشایخ مؤسس دانشکده مدیریت نیز صحبت کرد. قسمت دوم و سوم این مجموعه ولی بیشتر در اروپا فیلمبرداری شد.

شمعدری چند مستند معروف دیگر نیز ساخته‌است ولی معروف‌ترین و در عین حال جنجالی‌ترین مستند او، سری انقلاب جنسی است. این مستند به تغییر و تحولات زیست جنسی در فرهنگ غرب و به تبع آن تاثیرات آن در جوامع و عادت‌های اجتماعی پرداخت. این مستند سر و صدای زیادی بین منتقدان عرصه فرهنگ و هنر به پا کرد و به همین خاطر توانست مخاطب‌های زیادی را وادار به تماشا کند. انقلاب جنسی در ۴ قسمت ساخته شده که بخش‌های مختلف آن در خارج از کشور ساخته‌شده‌است.



۶- سیدمحسن دهنوی

سیدمحسن دهنوی ورودی ۸۱ مهندسی شیمی شریف است. او همه مقاطع دانشگاهی خود را تا دکتری در دانشگاه خودمان در رشته مهندسی شیمی تحصیل کرده و حتی توانسته بود از

دانشگاه هاروارد برای مقطع پسا دکتری نیز پذیرش بگیرد تا بتواند طرحی را برای درمان بیماران سرطانی جلو ببرد. هنگام رسیدن به آمریکا در فرودگاه پلیس این کشور جلوی او و خانواده‌اش را گرفت و او را بازداشت کرد. البته بعد از پیگیری‌ها توسط دولت ایران، دولت آمریکا مجبور شد این دانشمند ایرانی را آزاد کند و او را به ایران برگرداند. او در دوران دانشجویی علاوه بر تحصیل علم، به فعالیت‌های جانبی و فرهنگی زیادی پرداخت. از مهمترین این فعالیت‌ها می‌توان به مسئولیت بسیج دانشجویی شریف اشاره کرد. او در حین و بعد از دوران دانشجویی نیز کارهای تخصصی زیادی در جاهای مختلف کرد. بعد از بازگشت به ایران در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در کنار سورنا ستاری مشغول به کار شد، در هیأت مدیره پژوهشکده شهید رضایی فعالیت کرد، ایستگاه نوآوری شریف را در شمال دانشگاه در خیابان حبیب‌الله تأسیس کرد، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی شد و بسیاری کارهای دیگر که رزومه او را پر بار کرده‌است.

اما شاید مهمترین نقطه عطف زندگی او، سال پیش رقم خورد؛ وقتی برای انتخابات سال ۹۸ مجلس اعلام کاندیداتوری کرد. در لیست اعلامی توسط جبهه اصولگرایان با سرلیستی محمدباقر قالیباف، نام سیدمحسن دهنوی در بالاها لیست و جزو اولین نفرات به چشم می‌خورد. ورود او به دنیای سیاست حواشی جدیدی نیز برای او داشته‌است. **به هر حال او در این دوره، نماینده مردم شهر تهران در مجلس است و به گفته خود، دنبال حل مشکلات اساسی کشور و نه تصویب چند قانون است.**

بچه‌ها این متن برای این بود که بدانید شریفی‌ها غیر از توانایی‌های درسی و علمی‌شان، می‌توانند کارهای بزرگ دیگری هم انجام دهند و از فرصت‌های مختلف استفاده کرده و به موفقیت برسند. پیشنهاد می‌کنم به دور از جوگیری فرصت‌های مقابل خودتان را ببینید و از آن‌ها استفاده کنید؛ حتی فرصت‌های غیر درسی. امیدوارم همیشه موفق باشید.



این هویت پرماجرا!

چند خط پیرامون جمعی که تصمیم گرفته‌اند دوران دانشجویی خود را صرفاً با درس سپری نکنند...



به قلم سید محمادمین سپیده‌دم

ورودی ۹۶ مهندسی هوافضا

احتمالاً اگر از علی ربیعی سخنگوی دولت یا محسنی اژه‌ای معاون اول قوه قضاییه قبل از حضورشان در شریف می‌پرسیدند که انتظار چه جلسه‌ای با دانشجویان را دارد، به مخیله‌شان هم خطور نمی‌کرد شریف! جایی که اکثراً آنرا به مهندسی و مرزهای علم (!) و... می‌شناسند، قرار است به یکی از پرچالش‌ترین برنامه‌های دوران مسئولیتشان در میان مردم تبدیل شود.

اتفاقی که با فاصله دو سال در ۱۶ آذر سال‌های ۹۶ و ۹۸ و به همت دوستان من در بسیج دانشجویی شریف رقم خورد.

همه چیز برمیگردد به دوم آذر ماه ۱۳۶۷ روزی که امام(ره) در ماه‌های پایانی عمر پر فراز و نشیب خود و چند ماه پس از اتمام وجه نظامی دفاع مقدس، ضمن بیانیه‌ای، پیام تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه را منتشر می‌کنند: "امروز یکی از ضروری‌ترین تشکلهای، بسیج دانشجویی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود، در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند"

و شاید بتوان بهترین مانیفست (بخوانید: سند راهبردی!) بسیج دانشجویی را همان پیام دانست که وقتی به صحنه‌ی آن روزهای ایران پس از انقلاب به خصوص در دانشگاه‌های پسا انقلاب فرهنگی که کم و بیش گروه‌های مختلف مذهبی-چپ و حتی انقلابی در آن فعالیت میکردند نگاه کرده و با نگاه پژوهشی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم اهمیت این تشخیص و آینده نگری بیشتر برای ما نمایان میشود.

نهادی که ماموریت یافته بود در ادامه مسیر، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را در دانشگاه مطالبه، پیگیری و عملیاتی کند.

با تصویب اساسنامه آن در اوایل دهه هفتاد، رفته رفته این تشکیلات در دانشگاه‌های مختلف شروع به فعالیت کرده و مسیری را آغاز میکند که می‌داند سخت، لغزنده و پیچیده خواهد بود و در طول این حدود سه دهه سعی میکند فارغ از وابستگی جریانان و گروه‌ها، نقش موثر خود را در دانشگاه‌ها ایفا کند.

بسیج دانشجویی شریف هم در همین مسیر، فعالیت خود را از اواسط دهه هفتاد در دانشگاه آغاز و دفتر آن در همکف ساختمان ابن‌سینا تبدیل میشود به نقطه عطف حضور بچه‌هایی که میخواهند دوران دانشجویی خود را در کنار درس خواندن به

روبرو شدن با مسائل واقعی کشور سپری کرده و در دانشگاه و کشورشان با آنچه از انقلاب فهم کرده‌اند به فعالیت بپردازند.

از درگیری با عدد و رقم‌های اقتصادی و سر و کله‌زدن با بورس و بودجه و بانک و ارز گرفته تا دغدغه‌های همیشگی فرهنگ که در قالب رویدادهای کتابخوانی و فیلم و موسیقی بروز و ظهور می‌یابد، از مطالبه‌گری و برنامه‌های تند و تیز دنیای سیاست که سعی در گفتمان کردن مفاهیم در جامعه دارند و مناظرات چالشی و راهپیمایی ۱۳ آبان و غرغه دانشجویان دانشگاه در مسیر راهپیمایی ۲۲ بهمن تا کنکاشتهای عمیق مطالعاتی و جلسات فکری و آزاد اندیشی حول موضوعاتی مثل علم، عدالت، تمدن و... را میشود لابلای فعالیت‌های بسیج دانشجویی مشاهده کرد.

کرونا اگر مجال داد و توانستید در هزار توی صفحات مجازی کمی بیشتر این رفت و آمدها را بررسی کنید، احتمالاً دغدغه و تلاش تعدادی از دوستانم درباره مسائل هزار رنگ دانشگاه و دانشکده‌هایش را خواهید دید که برنامه‌های علمی-صنعتی میان‌رشته‌ای یا مرتبط با هر رشته، بازدهی‌های میدانی و جلسات و برنامه‌هایی که مشخصاً دنیای پر رفت و آمد شریف که بخشی از زندگی همه ما را به خود مشغول میکند موضوع محل بحث خود میدانند، خواهید دید.

احتمالاً شما هم با من هم نظرید که این روزها تلگرام، توئیتر، اینستاگرام و باقی این بسترهای مجازی آنقدر اثرگذار و فراگیر شده‌اند که کمتر کسی میتواند از کنار آن به راحتی عبور کند و همین می‌شود یکی از حوزه‌هایی که جمعی را در بسیج دانشجویی متوجه خود کرده و برای تولید محتوا و انعکاس وقایع و اتفاقات در آن تلاش میکنند.

البته که همه اینها علی‌رغم زرق و برق زیاد، هنوز نتوانسته‌اند لذت ورق زدن کاغذهای ماحصل قلم زدن تعدادی از دانشجویان هم‌دانشگاهی ماست را بگیرند و نشریات دانشجویی هنوز هم در فضای دانشگاه ما مخاطبین خاص خود را دارند و در بسیج دانشجویی هم "میدان انقلاب" (یعنی همین که از بد روزگار در قالب PDF مشغول مطالعه‌اش هستید) به عنوان نشریه اصلی ما این وظیفه مهم را به عهده دارد و نشریات دیگری مثل "ثمین"، "راسم"، "رمز عبور" و "رویون" نیز در حوزه‌های تخصصی خود چند وقت یکبار منتشر می‌شوند.

آخرین زمینه‌ای هم که چند وقتی است پا به عرصه فعالین فرهنگی شریف گذاشته و شاید تا همین چند سال پیش جای خالی‌اش احساس میشد، تلاش برای فعالیت در حوزه مسائلی است که کمی آن طرف از مرزها، مسلمانان را با خود مواجه میکنند و

دانشجو به خصوص از نوع بسیجی‌اش نمیتواند در برابر آن بی تفاوت بماند.

از توجه به مسئله فلسطین و اتفاقات سایر کشورهای اسلامی تا واکنش به پلیدی‌هایی که گریبان مسلمانان را میگیرد و تلاش برای استفاده از ظرفیت دانشجویان مسلمان کشورهای مختلف، همان دغدغه ایست که جمعی از شریفی‌ها را در بسیج دانشجویی دور هم جمع کرده و در این حوزه مشغول فعالیت‌اند.

بگذریم... همه فعالیت‌ها و تلاش‌هایی که سعی کردم به حسب وقت و ظرفیت متن به بخشی از آنها اشاره کنم موضوعات و مطالبی هستند که گستردگی، نوع و میزان ورود و سطح اثرگذاری‌اش دقیقاً برمیگردد به همین بچه‌هایی که با آنها دست و پنجه نرم میکنند و برای آن زمینه‌ای که در آن مشغول به کارند، دست به طراحی میزنند.

جلسات، حلقه‌ها، بیانیه‌ها، بازدیدها، رویدادها و سایر تولیداتی که شاید این ایام، کرونا چالش‌هایی را برایشان به وجود آورده اما سعی دارند نقش خود را در بستر فضای مجازی یا با رعایت نکات بهداشتی به صورت حضوری به بروز و ظهور برسانند و احتمالاً شما هم بیشتر مخاطبان با آنها در همین بستر مجازی باشد تا ببینیم کی این ویروس عجیب و غریب دست از سرمان برمی‌دارد!

حرف آخر نکته مهمی که بالاتر از هر آنچه گفته شد، نباید از آن غافل شویم این است که تمام این بحث‌ها، رفت و آمدها و اتفاقات مهمی که سعی کردم بالاتر به بخش‌هایی از آن اشاره کنم شاید تنها هدف و ماهیت بسیج دانشجویی نبوده و نیست و آنچه همیشه یکی از اصلی‌ترین (شاید هم اصلی‌ترین!) مسئله این جمع بوده و وجه تمایز آن را بیشتر نشان میدهد، تشکیل و گسترش هویتی است که در جمع بزرگی از دانشجویان در بستر این فعالیت‌ها شکل گرفته و رشد جمعی، رفاقت‌ها و هم‌افزایی در زمینه‌های مختلف، مهم‌ترین اتفاقی است که میتواند در این مجموعه رقم بخورد و گاهاً حتی در تصمیمات آینده بخشی از این مجموعه هم موثر باشد.

اتفاقی که اگر به مرور گذرتان به جمع این دانشجویان بخورد یا با آنها هم‌کلام شوید، احتمالاً بتوانید سرخ‌هایی از آن را ببینید و به خاطر بسپارید.

شاید در همین vclass ها یا شاید بعدتر و پس از آرام شدن اوضاع عجیب و غریب کرونا...

به امید دیدار!



بسیج را در شبکه‌های
اجتماعی دنبال کنید
@Bazj_Sharif
@enqelabrq



” دانشجو موذن جامعه است. اگر خواب بماند، نماز امت قضا می‌شود.“